

چرا رأی نمی دهیم؟

شرکت یا عدم شرکت در انتخابات ۱۴۰۰؟

چرا رأی نمی دهیم؟



محسن کدیور

۲۲ خرداد ۱۴۰۰

ضمن تشکر از سپهر فردای ایران برگزارکننده این جلسه، و دوست گرامی و جامعه شناس محترم جناب آقای دکتر محمود صدری، من دیروز در کلاب هاوس عضو شدم و این اولین صحبت من در این نرم افزار است. ابتدا به چند نکته مقدماتی اشاره می کنم.

الف. اینها نکات مشترک ماست و درباره آن بحث نمی کنیم:

یک. باور به تمامیت ارضی و استقلال ایران، و لزوم تحصیل آزادی، آبادی و حاکمیت قانون و محوریت منافع ملی در کشورمان،

دو. جمهوری اسلامی نظامی اقتدارگرا و مورد ادبار اکثریت شهروندان ایران است، و نظریه ولایت مطلقه فقیه چیزی جز استبداد مطلقه و خودکامگی در جامه دین نیست.

سه. راهی جز اصلاحات ساختاری از طریق حتی الامکان خشونت پرهیز و توسعه درون‌زا تجویز نمی کنیم.

چهار. سران جمهوری اسلامی نه صادقند نه قائل به دموکراسی و همواره برای انتخابات آزادانه مردم محدودیت ایجاد کرده اند.

پنج. این انتخابات علاوه بر محدودیتهای قبلی «غیررقابتی» است.

شش. آقای دکتر عبدالناصر همتی را خیرالموجودین، و در مقایسه با دیگر نامزدهای تایید صلاحیت شده اصلح، و امتداد دولتهای حسن روحانی و اکبر هاشمی رفسنجانی می دانم.

ب. علیرغم نقاط مشترک منتقدان وضع موجود به دو دسته تقسیم می شوند: کسانی که می پندارند با این انتخابات می توان جلوی یک دست شدن قدرت را گرفت، و کسانی که معتقدند شرکت در این انتخابات عبث است و ناخواسته ایفای نقش در نمایشی است که نظام برپا کرده است. من جزء گروه دوم هستم.

به دو اصل معتقدم: تکرر آراء طبیعی است و به قائلان گروه اول احترام می گذارم. در حسن نیت اکثر قائلان به رویکرد نخست هم تردیدی نیست.

اما اصل بحث:

برای عدم شرکت در انتخابات پیش رو چهار دلیل دارم:

دلیل اول. عبث و بی فایده بودن شرکت منتقدان وضع موجود در انتخابات

بر اساس آمار انتخابات دهه گذشته و نظرسنجی های این انتخابات، اکثریت شهروندان واجدان شرایط رای در این انتخابات شرکت نخواهند کرد و در خوشبینانه ترین حالت حد اکثر ۴۵٪ در انتخابات شرکت خواهند کرد، یعنی ۲۸٪ کمتر از انتخابات دوره قبل ریاست جمهوری و حدود ۲-۳٪ بیش از انتخابات مجلس در سال ۱۳۹۸. موافقان وضع موجود که به نامزد منصوب نظام رای می دهند مطابق نظرسنجی ها (از جمله ایسپا) هم در بهترین حالت ۱۷ میلیون خواهند بود حدود ۶۴٪ شرکت کنندگان در این انتخابات. رای آقای همتی در آخرین نظرسنجی ۴,۲٪ بوده، فرض کنید تا فردا دو نیم برابر شود و به ۱۰٪ برسد یعنی دو میلیون و ۷۰۰ هزار. تازه حدود دوسوم اصلاح طلبان و اکثر اعتدالیون هم از وی حمایت کرده اند. رئیسی به احتمال بسیار قوی در همان دور اول انتخاب می شود و لذا کشانده شدن انتخابات به دور دوم بر اساس قرائن موجود محتمل به نظر نمی رسد. برای برهم زدن این تحلیل باید میزان مشارکت ۲۸٪ افزایش یابد و به دور قبل برگردد که محال وقوعی به نظر می رسد. در خواب و خیال نمی توان پیش رفت. با این آمار و این پیش بینی ها چه می کنید؟ اگر کمترین احتمال انتخاب نامزدی

(غیر از رئیسی) بود هرگز تایید صلاحیت نمی شدند. نظام مغز خر نخورده که علی لاریجانی و اسحاق جهانگیری «رای آور» را رد صلاحیت و همتی را تایید صلاحیت کند که امکان رقابت تاثیرگذار با نامزد نظام داشته باشد.

دلیل دوم. استمرار استدلال مخدوش انتخاب بین بد و بدتر

گفته می شود: شرکت در انتخابات و رای به رئیسی و یکی دو اصول گرای دیگر بدتر است. شرکت در انتخابات و رای به نامزدی که برای منتقدان وضع موجود نصب شده یعنی همتی بد است. در دو راهی بد و بدتر باید بد را انتخاب کرد. این انتخاب «نه» بزرگ به ریاست جمهور منصوب نظام است. اگر منتقدان درون حاکمیت می توانستند همتی را جانشین روحانی کنند نهایتاً وضع موجود با دولت اعتدالی ادامه پیدا می کرد در حالی که با ریاست جمهوری رئیسی وضع داخلی و خارجی بدتر می شود.

اما این استدلال دیگر کار نمی کند. زیرا با این منطق هر بار جمهوریت نظام تقلیل یافته و شکل واقعی نظام یعنی حکومت یا خلافت اسلامی یا حکومت ولایی بیشتر هویدا می شود. انتخابات مناسک نیست که به هر قیمتی باید در آن شرکت کرد. راستی نظام باید چه می کرد که شما به این نتیجه برسید که دیگر شرکت در انتخابات بی معنی و بی فایده است؟ انتخابات با حذف عنصر رقابتی کاملاً بی معنی است. در انتخاباتی که منتقدان وضع موجود مجاز به انتخاب نامزد مورد نظرشان نیستند و برایشان نامزد مورد نظر نظام را «نصب» کرده اند با شرکت در چنین انتخاباتی می خواهید چه چیزی را اثبات کنید؟ عمل به وظیفه مناسک شرکت در انتخابات را؟ منطق شرکت در انتخابات غیررقابتی همان منطق پوسیده انتخاب بین بد و بدتر و شرکت در مناسک انتخابات به هر قیمتی است. آنها که به فکر تجربه کردن این راه تجربه شده افتاده اند قبلاً باید اصلاح پذیری نظام جمهوری اسلامی را اثبات کنند.

دلیل سوم. ریاست جمهوری در نظام ولایت مطلقه فقیه در هیچیک از تصمیم سازی ها کلان نقشی

ندارد

در حکومت اسلامی یعنی جمهوری اسلامی موجود کلیه تصمیمات کلان را رهبری و منصوبانش می گیرند و رئیس جمهور «معاون اجرایی رهبری» بیشتر نیست، با حق انتخاب و تاثیرگذاری در کمتر از ۱۵٪ امور کشور. یعنی حتی اگر خیرالموجودین هم انتخاب شود هیچیک از ابربحرانهای کشور حل نخواهد شد. نه ماجراجوییهای منطقه‌ای، نه انرژی پرهزینه هسته‌ای، نه سیاست موشکی، نه تعامل با جهان، نه آزادی‌های مصرح در همین قانون اساسی. رئیس جمهور مذکور در این نظام از اساس ویران چه می تواند بکند؟ مشکل در این شخص و آن شخص نیست، مشکل این است که جمهوری اسلامی رئیس جمهور نمی خواهد، معاون اجرایی هم هر که باشد تغییری در سیاستهای کلی نظام که توسط رهبری یا سپاه تعیین می شود ایجاد نخواهد شد.

دلیل چهارم. شرکت در چنین انتخاباتی رأی به مشروعیت نظام ولایی و حکومت اسلامی است

فرق نمی کند به چه کسی رأی می دهید یا رأی سفید یا باطله می دهید، مهم این است که رأی بدهید و درصد شرکت در انتخابات را بالا ببرید. این را صریحا رهبر جمهوری اسلامی در سخنان ۲۶ خردادش ابراز داشت. بیش از ۵۵٪ مردم در این انتخابات شرکت نمی کنند آن هم در کشوری که در انتخابات قبلی ریاست جمهوری بیش از ۷۳٪ واجدان شرایط رأی شرکت کرده اند. اگر تعداد شهروندان واجد شرایط رأی که در انتخابات شرکت نمی کنند بسیار بیشتر از تعداد شهروندانی باشد که در انتخابات شرکت می کنند این به معنی ادبار اکثریت مردم ایران به انتخابات انتصاباتی و گامی به سوی «مشروعیت‌زدایی» از استبداد دینی است. در حقیقت جمهوری اسلامی از مردم «بیعت با نظام» را می خواهد. با عدم شرکت در این انتخابات تشریفاتی با نظام و رهبر آن بیعت نخواهیم کرد.

در یک انتخابات غیررقابتی غیر از رئیس جمهور منصوب دیگر نامزدها به گونه‌ای مهره‌چینی شده اند که رأی آور نباشند و نقشی جز نخودی و گرم کننده تنور سرد انتخابات تشریفاتی نداشته باشند. نامزد غیراصول‌گرا نامزد منتخب اصلاح طلبان و اعتدال‌گرایان نیست و از سوی شورای نگهبان برای این جناح نصب شده است. جبهه اصلاح طلبان در دو رأی‌گیری (یکی روز گذشته) بار دیگر اعلام کرد که در انتخابات اخیر نامزدی ندارد و شرکت

نخواهد کرد. در انتخاباتی که مردم مشارکت نمی کنند رأی آوردن نامزد مورد نظر نظام بسیار محتمل است. در چنین شرایطی رأی به دو نامزد منصوب به عنوان نامزد اصلاح طلبان و اعتدالیون در انتخابات عملا بی اثر است و تنها فایده آن اعتبار بخشیدن به این انتخابات رسواست.

اتاق "سپهر فردای ایران" در کلاب هاوس برگزار می کند

انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰: شرکت یا عدم شرکت؟



محسن کدیور
مدافع عدم شرکت



محمود صدری
مدافع شرکت


 ساعت: ۲۲:۳۰ به وقت تهران / ۲۰ به وقت اروپای مرکزی
 Clubhouse Drop-in Audio
 ساعت: ۲۰:۳۰ به وقت تهران / ۲۰:۳۰ به وقت اروپای مرکزی
 سپهر فردای ایران



kadivar.com

<https://kadivar.com/18923/>
kadivar.mohsen59@gmail.com

تمام حقوق محفوظ است.
 نقل مطلب به هر صورت تنها با ذکر منبع مجاز است.